

ضرورت توجه به تاریخنگاری سوبالترن در ایران

○ دکتر عبدالرسول خیراندیش

«سوبالترن» (subaltern) مکتب تاریخنگاری جدیدی است که در چند دهه گذشته در آسیا و اروپا به تدریج در حال گسترش یافتن بوده است. پیشقدمان آن نیز هندی‌ها بوده‌اند و لذا هم آنان نیز برای آن بیشتر کوشیده‌اند. موضوع این نوع از تاریخنگاری طبقات پایین جامعه است. از آنجا که به عقیده دنباله‌روان «سوبالترن»، کارگران مهاجر پایین‌ترین طبقه اجتماعی هستند، تاریخنگاری «سوبالترن» نیز بیشتر به تحقیق دربارهٔ آنان می‌پردازد.

می‌دانیم که هندی‌ها سابقه مهاجرت طولانی در حوزه اقیانوس هند داشته‌اند. از رهگذر همین مهاجرت‌ها فرهنگ و تمدن هندی و ادیان و عقاید آنان در جزایر و سواحل اطراف اقیانوس هند گسترده شده است. مهاجرت قدیم هندی‌ها بیشتر مربوط به تجار و مبلغان مذهبی بوده و برای دورانی مسلمانان هند را نیز شامل می‌شود. اما در دوره استعمار که از آن به مهاجرت جدید یاد خواهیم کرد، این مهاجرت‌ها مربوط به کارگران ساده و نیمه‌ماهر بوده است. به خصوص سواحل شرقی آفریقا که آن هم مانند هند جزو مستعمرات بریتانیا بود، پذیرای کارگرانی شد که در ساخت خطوط آهن و بندرگاه‌ها و یا بعضی از صنایع به کار گرفته می‌شدند. فقر و مسکنت و قحطی و بیماری شدید نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل نیمه اول قرن بیستم در هندوستان، گروه کثیری بخصوص از طبقات فرودست را به خاک سیاه نشانید. شدت استیصال، آنان را در امواج گسترده‌ای به مهاجرت واداشت. نیروی کار ارزان آنان در مناطقی مانند کنیا، استرالیا، آفریقای جنوبی و امثال آن به کار گرفته شد، به طور معمول تعدادی از هندی‌ها به عنوان سرباز نیز به کار گرفته شدند که شرایط آنان با کارگران مهاجر هندی بسیار متفاوت بود. اما کارگران هندی در شرایطی که رنج غربت را متحمل می‌شدند با زندگی و کار توأم با مشقت روبرو بودند و از حمایت قانونی چندانی هم بهره‌مند نبودند. سال‌های آغازین فعالیت حقوقی مهاتما گاندی رهبر معروف استقلال هند صرف دفاع از این دسته از کارگران هندی در آفریقای جنوبی شد. این کارگران که بعدها نیز مهاجرتشان ادامه یافت، بسیاری از آنان اکنون در آفریقا ماندگار شده‌اند. موسوم به HALFCost (نیمه‌طبقه) هستند، و در هر کشوری بسته به موقعیت اجتماعی‌شان نامی به آنها داده شده است.

محققان هندی در دهه‌های گذشته تحقیقات وسیعی را درباره تاریخ مهاجرت، زندگی و شرایط اجتماعی اینان آغاز کردند و این خود تولد تاریخنگاری موسوم به سوبالترن را موجب شد. هرچند این تاریخنگاری با چپگرایی ملازمه دارد اما سر مبارزه‌جویی ندارد و علاوه بر آنکه با تحقیقات اجتماعی هم بسته شده با ملاحظات بشر دوستانه نیز پیوستگی یافته است. رشد و توسعه فعالیت‌های بخش اجتماعی سازمان ملل و نهادهای آن مانند کمیته آوارگان و پناهندگان و به موازات آن اوج گرفتن مباحث و مسائل مربوط به جهانی شدن نیز به مدد آن آمده و در مجموع این نوع تاریخنگاری را پیشرفت داده است. نباید از نظر دور داشت که توسعه تحقیقات مربوط به جمعیت‌شناسی و نیز آزادی بیشتر گردش سرمایه در جهان امروز، توجه به چنین مباحث و مسائلی را لاجرم به دنبال خواهد داشت. این امر موجب شده است تا مباحث تاریخ اجتماعی تا حدود

از آنجا که مهاجران جویای کار همواره مناطق توسعه یافته را مقصد خویش قرار می دهند اروپا و امریکای شمالی که همواره با پدیده مهاجرت روبرو بوده است با تاریخنگاری سوبالترن همراهی نشان داد

زیادی از چارچوبه های تاریخ ملی خارج گردد و در مفهومی بین المللی به آن نگریسته شود. از آنجا که مهاجران جویای کار همواره مناطق توسعه یافته را مقصد خویش قرار می دهند اروپا و امریکای شمالی که همواره با پدیده مهاجرت روبرو بوده است با تاریخنگاری سوبالترن همراهی نشان داد. هرچند بخشی از مهاجرت به اروپا و امریکا مربوط به متخصصان، کارآفرینان و صاحبان سرمایه جهان سوم بوده اما در موارد بسیاری سیل کارگران ساده یا نیمه ماهر از امریکای لاتین یا غرب آسیا نیز به این مناطق سرازیر شده است. معضلات اجتماعی این مهاجران در انطباق با قوانین کار، حقوق اجتماعی و مسائل مربوط به تابعیت، همچنان که دول غربی را درگیر می ساخت، بشردوستان را نیز به تکاپو واداشت. در مواقعی بحرانهای ناشی از تعارض نژادپرستان با رنگین پوستان نیز به این امر اضافه شد و مشکلات شدیدی را موجب گردید، متذکر می گردم که فرودست دانسته شدن مهاجران در قدم نخست از آن رو است که مهاجر (موارد غیرقانونی) یا انسان در غربت، در قدم اول مشکل یافتن موقعیت قانونی و قرار گرفتن در کف حمایت قانون را دارد. تنگدستی و مشقت، مسئله بعدی (هرچند اساسی) به شمار می آید. لذا در فقدان حمایت قانون خطر هر نوع تضییع حقوق انسانی مطرح خواهد بود. همه این عوامل و مسائل، نشان داد که پدیده مهاجرت یک مسئله جهانی است و تقریباً همه جا با آن درگیر هستند. ترقیات تاریخنگاری آنالز و توسعه مطالعات اجتماعی نیز تجربیات خوبی را به دنبال آورده بود، در نتیجه شکل گیری چنین زمینه ای اکنون مطالعات سوبالترن گسترش فوق العاده ای یافته است. شاید در سابقه این امر، مطالعات مربوط به بردگان و در آینده،

مباحث مربوط به زنان و کودکان نیز چنین فتح باب هایی را به دنبال داشته باشد.

با وجود گسترشی که سوبالترن داشته است، در ایران تاکنون توجه جدی از جانب مورخان بدین امر نشان داده نشده است. محققان علوم اجتماعی نیز بیشتر به مطالعات داخلی در باب مهاجرت مشغول بوده اند. ایرانیان در دو دهه پیش از این مفهومی از تاریخنگاری طبقات فرودست را که آن هنگام با عنوان کلی مستضعفان مورد خطاب قرار می گرفتند مورد توجه قرار دادند، اما این تاریخنگاری، هم در جست و جوی مبارزه جویی بود و هم سخت تحت تأثیر فضای مبارزاتی. از آنجا که این روند با تفکر علمی همراه نگشت و لوازم و روش های تاریخنگاری خاص خود را نیافت، پیشرفتی نکرد. در عین حال که مایه های اندکی نیز برای پیوند با سوبالترن در خود داشت، چنانکه به پدیده مهاجرت چندان عنایتی نداشت. حتی تحت تأثیر تفکر مبارزه جویانه، مهاجرت را برای تمدن سازی ضروری می دانست. فروختن تاریخنگاری برای فرودستان نزد ما در شرایطی صورت گرفت که از یک سو سیل مهاجران به داخل کشور سرازیر شده بود و از سوی دیگر جمع قابل توجهی از ایرانیان اقدام به مهاجرت می کردند. هرچند این مهاجران در قدم اول از فرودستان نبودند، اما یا در مقصد خویش دچار مشکلات فراوان شدند و یا تا رسیدن به شرایط دلخواه خود شرایط دشواری را از سر گذراندند. به علاوه، موج های بعدی مهاجران که در جست و جوی کار و آینده اقتصادی بهتر بودند، به تدریج طبقات متوسط و پایین تر جامعه را دربر گرفت. چنین مهاجرانی که خود نسل اول محسوب می شدند اکنون نسل دوم خویش را در کنار دارند و مسائل جدیدی را در خصوص شرایط اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در خارج از کشور موجب شده اند. اما متأسفانه نه محققان علوم اجتماعی و نه مورخان ایرانی تاکنون بدین مباحث نزدیک نشده اند، حال آنکه بنا بر مختصری که گذشت و نکاتی که ذیلاً مطرح می شود می توان فعالیت علمی و تحقیقی قابل توجهی را در خصوص مهاجران به ایران یا ایرانیان مهاجر در پیش رو داشت.

۱- در پی تحولات مربوط به کشور افغانستان در سه دهه گذشته موج بزرگی از آوارگان آن کشور به ایران وارد شدند. آنان به دلیل همزبانی و تشابهات فرهنگی به آسانی در ایران پراکنده شدند. سطح پایین مهارت و دستمزد، جذب آن ها را در سطوحی از فعالیت های اقتصادی تسهیل کرد. اما در همان حال معضلات اجتماعی متعددی را هم به دنبال آورد. متأسفانه به جز آرشیه های دولتی و روزنامه ها، اسناد مکتوب درباره آنان کم فراهم آمده است. بدون شک مطالعه در باب حضور مهاجران افغان در ایران فصل پر دامنه ای از تحقیقات تاریخی و اجتماعی را می تواند دربرگیرد.

۲- در طول بیش از یک قرن گذشته عده زیادی ایرانی به عتبات مهاجرت کردند. با سرکار آمدن بعثیون شرایط بسیار دشواری برای این دسته از ایرانیان در سه دهه گذشته پدید آمد. بسیاری از آنان دچار زندان و شکنجه و اخراج و کشتار واقع شدند. زندگی آنان طی این حوادث و دوران اقامت قبل از آن در عراق تاکنون مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

۳- در طول هشتاد سال گذشته که نفت در حوزه خلیج فارس عامل تحولات سیاسی و اقتصادی شده است، عده زیادی از ایرانیان به خصوص از نواحی جنوبی کشور به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند. هنوز روند این مهاجرت تمام نشده است اما نسل‌های اول و دوم مهاجران اکنون صاحب ثروت و شغل قابل توجه در آن نواحی شده‌اند. افراد، خاندان‌ها و قبایل این مهاجران و تحولات ناشی از حضور آنها در آن سوی خلیج فارس و نیز نتایجی که برای شهرها و روستاها و بنادر جنوب ایران داشته تاکنون به درستی ارزیابی و ثبت و ضبط نشده است. همه کسانی که از جنوب ایران هستند یا سالیانی را در آن نواحی گذرانده باشند مشقت مهاجرت به آن سوی خلیج فارس و خطرات دریا و تلفات بسیار آن را می‌دانند. در مطبوعات دوره پهلوی اخبار مربوط به این امر تا حدودی منعکس شده است. اما اصل و اساس منابع مربوط به این مهاجرت‌ها به صورت شفاهی و در کشورهای جنوبی خلیج فارس است که لازم است محققان به آنها توجه کنند.

۴- در چند سال گذشته عده زیادی به امید یافتن کار به ژاپن رفته یا روانه اروپا و دیگر نقاط شده‌اند. اخیراً نیز سخن از صدور نیروی کار به صورت رسمی در میان آمده است. موضوع این کاریابی‌ها حتی سوژه فیلم‌های سینمایی شده است، اما هنوز در تاریخ‌نگاری موردتوجه واقع نشده است.

۵- در آسیای مرکزی جمعیت قابل توجهی موسوم به پرسیدسکی وجود دارد. اینان ایرانیانی هستند که در هشتاد سال گذشته به علل و دلایل گوناگون به حوزه قلمرو شوروی سابق وارد شده و نتوانسته‌اند بازگردند. آنان در شناسنامه خود پرسیدسکی یعنی ایرانی شناخته شده‌اند. اینان غیر از تاجیک‌ها یعنی فارسی‌زبانان آسیای مرکزی هستند. تاجیک‌ها جزو مردمان آن نواحی هستند. اما عنوان پرسیدسکی‌ها مهاجر به شمار می‌آیند. زندگی آنان دربردارنده، مسائل فرهنگی و اجتماعی بسیاری است که تاکنون در ایران منعکس نشده است.

به طور کلی از این دست مجامع ایرانی با منشا مهاجرت به دلایل گوناگون شغلی، تحصیلی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موارد متعددی وجود دارد. نیز نتایج مهاجرت‌های آنان گوناگون است و می‌تواند فصلی بسیار قابل توجه در تاریخ‌نگاری معاصر ایران بگشاید. بدون شک با چنین مطالعاتی است که می‌توان به ارائه تصویری جامع و کامل از تاریخ معاصر ایران توفیق یافت.

متأسفانه منابع مکتوب ما برای تاریخ‌نگاری سوبالترن اندک است. علاوه بر بی‌سوادی بسیاری از کارگران مهاجر یا امتناع مهاجران از تنظیم اسنادی در این باره، خارج بودن اکثر مهاجرت‌ها از محدوده قاعده و قانون نیز امکان فراهم آمدن منابع مکتوب را کم کرده است. اسناد آرشیوی نیز باید منتظر گذشت حدود نیم قرن برای یافتن قابلیت عرضه باشند. لذا راهی که می‌ماند اتکای به تاریخ شفاهی، خاطره‌نویسی و تحقیقات محلی و میدانی است. این امر علاوه بر ضرورت‌های ناشی از توسعه و تنوع منابع و مضامین تاریخ‌نگاری ایرانی و نزدیک ساختن آن به مباحث اجتماعی و فرهنگی اصیل، از آن رو اهمیت دارد که باید نسبت به ثبت و ضبط پشت به

پشت مکتوبات، شفاهیات و به‌طور کلی مواد این نوع تاریخ‌نگاری و فراهم آوردن به موقع اسناد و مدارک آن اقدام شود. امکان باقی ماندن آنها اندک است و در سالیان آینده برای چنین تحقیقاتی با قلت منابع و محتمل مواد روبرو خواهیم شد. شکی نباید داشت که برای تحلیل و شناخت تاریخ معاصر و برنامه‌ریزی مطلوب و همه جانبه برای آن چنین تحقیقاتی که تاریخ زنده محسوب می‌شود حائز اهمیت است. امید است با ملی بشمار آوردن مباحث تاریخ‌نگاری سوبالترن انگیزه‌ها و فراست لازم برای توجه لازم به چنین امری، هم از سوی دانشگاه‌ها، هم محققان و هم اداراتی که با این امور سروکار دارند فراهم شود. تاریخ‌نگاری ما به دلیل عدم نوآوری در عرصه‌ها و روش‌ها و پای فشردن بر قواعد کهنه و عرصه‌های تکراری در سال‌های اخیر تا حدودی از نشاط و پویایی بازمانده است. این امر بعضی از قلمروهای تاریخ‌نگاری را از جوانان و نیز محققان خالی ساخته است. جاذبه اندک درس تاریخ و تحقیقات تاریخی نیز در میان بعضی از قشرهای محقق و دانشجو دیده می‌شود. می‌توان امیدوار بود در عصری که جهانی شدن بسیاری از مضمون‌ها را در بر می‌گیرد و مسائل نوینی را مطرح می‌سازد که لازم است پاسخی در خور برای آنها یافت، عرصه‌هایی چون تاریخ‌نگاری سوبالترن می‌تواند راهگشای مباحث نوینی بشمار آید. نیز شکی نباید داشت که لازم است برای بومی‌سازی تاریخ‌نگاری سوبالترن و انطباق آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران تلاش‌هایی صورت گیرد و مقتضیات خاص جامعه ما برای آن مورد ملاحظه واقع شود.

موضوع تاریخ‌نگاری سوبالترن، طبقات پایین جامعه است.

از آنجا که به عقیده دنباله روان سوبالترن،

کارگران مهاجر پایین‌ترین طبقه اجتماعی هستند،

تاریخ‌نگاری سوبالترن نیز بیشتر به تحقیق

درباره آنها می‌پردازد